

فصلنامه لسان مبین (پژوهشی ادب عربی)

(علمی - پژوهشی)

سال هشتم، دوره جدید، شماره بیست و هشتم، تابستان ۱۳۹۶، ص ۶۱-۸۱

صدق تشبیه با ذکر ادات تشبیه از دیدگاه ابن طباطبا *

حجت رسولی، استاد گروه زبان و ادبیات عربی، دانشگاه شهید بهشتی تهران

افسانه رضایی، دانشجوی کارشناسی ارشد زبان و ادبیات عربی، دانشگاه شهید بهشتی تهران

چکیده

یکی از ویژگی‌های بارز نقد ادبی در قرن چهارم هجری، آمیختگی آن با علم بلاغت است. ابن طباطبا (۳۳۲ق) به عنوان نماینده و پیشگام علم نقد در قرن چهارم، شعر را بر اساس بلاغت تشبیه، ارزیابی کرده است. لازمه شناختی درست از تحول و تطور علم نقد و بلاغت، بررسی دقیق دیدگاه‌های پیشگامان علم نقد و بلاغت، چون ابن طباطبا است. این مقاله که با هدف تبیین و تحلیل دیدگاه ابن طباطبا در نقد تشبیه، بر اساس کتاب «عیار الشعر» به نگارش درآمد، می‌کوشد تا به روش توصیفی، تحلیلی به این سوال پاسخ دهد که هدف ابن طباطبا از صدق تشبیه با ذکر ادات تشبیه چیست؟ به این منظور با مراجعه به متن کتاب «عیار الشعر» و استخراج آرای پراکنده ابن طباطبا کوشیدیم تا دیدگاه وی را بر اساس منابع معتبر بلاغت، تبیین کنیم. از تحلیل دیدگاه ابن طباطبا، این نتیجه حاصل شد که تأکید وی به ذکر ادات تشبیه به دلیل دعوت شاعران به نوآوری در تشبیه، نزدیک شدن اغراق و غلو به حقیقت، عدم افاده معنای تشبیه بدون ادات و سرانجام تأکید و مبالغه در تشبیه است.

کلمات کلیدی: ابن طباطبا، عیار الشعر، صدق تشبیه، ادات تشبیه.

* - تاریخ دریافت مقاله: ۱۳۹۵/۱۰/۱۱ تاریخ پذیرش نهایی: ۱۳۹۶/۰۲/۲۵

نشانی پست الکترونیکی (نویسنده مسؤول): h-rasouli@sbu.ac.ir

۱. مقدمه

۱-۱. بیان مسأله

تشبیه یکی از موضوعات گسترده و مهم علم بلاغت به شمار می‌رود؛ زیرا پایه‌گذار انواع دیگری از بیان؛ مانند استعاره و تمثیل است. «عیار الشعر»، کتاب نقدی آمیخته با بلاغت، اثر ابن طباطبا علوی (۳۳۲ ق) یادگار قرن چهارم است؛ قرنی که از آن، در تاریخ نقد زبان و ادبیات عربی، از طلایی‌ترین دوران تدوین علمی برای نقد ادبی یاد می‌شود. ابن طباطبا نیز به رسم دیگر دانشمندان عرصه نقد در قرن چهارم، بلاغت را محور معیارهای نقد شعر خویش قرار داده است. یکی از گسترده‌ترین موضوعاتی که ابن طباطبا به طور پراکنده در کتاب «عیار الشعر»، آرای انتقادی خود را در مورد بلاغت آن مطرح می‌کند، تشبیه است. ابن طباطبا نظریاتی خاصی در نقد تشبیه ارائه داده است. وی تشبیه شاعران را بر اساس معیار صدق، ارزیابی می‌کند. یکی از معیارهایی که ابن طباطبا برای ارزیابی صدق تشبیه در «عیار الشعر» معرفی کرده است، ذکر ادات تشبیه است؛ اداتی که برخی از دانشمندان و صاحب‌نظران برجسته؛ مانند ابن‌اثیر، ضرورتی به ذکر آن در تشبیه نمی‌بینند، در حالی که ابن طباطبا ذکر هر نوع از ادات تشبیه را صداقت شاعر در تشبیه تلقی می‌کند.

۱-۲. پیشینه تحقیق

پژوهشگران از گذشته تاکنون، دیدگاه‌های نقدی و بلاغی ابن طباطبا را بررسی کرده‌اند و این دیدگاه‌ها در آثار آنان بازتابی گسترده یافته است؛ از جمله: عبدالسلام عبدالحفیظ عبدالعال که از تحلیل و مقایسه دیدگاه‌های نقدی ابن قتیبه و ابن طباطبا در نقد تشبیه در شعر، به این نتیجه رسیده که تکیه هر دو ناقد در ارزیابی تشبیه، به وجه شبه متعدد است. وی در بحث تشبیه، به نقد دیدگاه ابن طباطبا در معیار صدق تشبیه با ذکر ادات تشبیه و همچنین تشبیه معکوس می‌پردازد که بهترین نوع تشبیه از دیدگاه ابن طباطباست. از آرای که عبدالعال ارائه داده است، چنین برمی‌آید که وی این معیارهای صدق در تشبیه را از دیدگاه ابن طباطبا، عملی نمی‌داند. (عبدالعال، ۱۹۷۸م: ۳۸۲-۳۹۴) احسان عباس در اثر عالمانه «تاریخ النقد الأدبی عند العرب»، انواع صدق در شعر، از دیدگاه ابن طباطبا را توصیف می‌کند و در تحلیل یکی از دیدگاه‌های ابن طباطبا در صدق تشبیه؛ پیروی از سنت شاعران قدیم عرب، بر این باور است که این معیار صداقت، عملی نیست. (احسان عباس، ۱۴۰۶ق: ۱۳۴-۱۴۲) عبدالله عبدالکریم العبادی، در

بررسی گرایش نقدی ابن طباطبا، از انواع تشبیه از دیدگاه ابن طباطبا نیز سخن گفته است و در صدق تشبیه، فقط اشاره‌ای توصیفی به معیار ذکر ادات تشبیه می‌کند. (العبادی، ۱۴۱۰ق: ۷۳-۷۵) فخر الدین عامر در پژوهشی، معیارهای نقدی ابن طباطبا در کتاب «عیار الشعر» را بررسی کرده و فقط به توصیف یکی از دیدگاه‌های نقدی ابن طباطبا در صدق تشبیه (ادات تشبیه) پرداخته است. وی ابن طباطبا را در زمرهٔ داعیان صدق در شعر به‌شمار می‌آورد. (عامر، ۱۴۲۱ق: ۷۱-۷۴) محمد علوی مقدم، در نخستین مقاله‌ای که در مورد عیار الشعر ابن طباطبا نوشته شده، به معرفی ابن طباطبا و موضوعات نقدی کتاب عیار الشعر پرداخته است و در باب تشبیه نیز به تأثیرگذاری ابن طباطبا در تقسیم‌بندی تشبیه، بر کتاب «الصناعتین» ابوهلال عسکری اشاره می‌کند. (علوی، ۱۳۵۲ش: ۲۳) رانیه عرضاوی در بررسی عناصر ابداع در کتاب «عیارالشعر»، با اشاره به منازل صدق از دیدگاه ابن طباطبا، آخرین منزل را به صدق مجازی اختصاص داده است که از دیدگاه ابن طباطبا به دلیل ظهور عنصر خیال در آن، منزلت کمتری دارد. (عرضاوی، ۲۰۱۱م: ۱۸۱-۱۸۶) در هر یک از منابعی که ذکر آن گذشت، به دلیل پراکندگی دیدگاه‌های ابن طباطبا دربارهٔ تشبیه و همچنین نبود نگرش بلاغی به دیدگاه انتقادی وی، برخی از پژوهشگران بر اثر یک جانبه‌نگری نتوانستند، تصویری درست و جامع‌تر از دیدگاه ابن طباطبا در «تشبیه» ارائه دهند؛ چنانکه صداقت تشبیه با ذکر ادات تشبیه را از دیدگاه وی عملی نمی‌دانند. دیدگاه‌های ابن طباطبا به عنوان پیشگام علم نقد و بلاغت عربی، شایسته بررسی‌های دقیق و عمیق‌تری است. به این منظور، این مقاله در پی آن است تا در ادامه راه پژوهشگران، با مراجعه به منابع معتبر بلاغت و با تکیه بر دیدگاه دانشمندان بلاغت در مورد ادات تشبیه، به روش توصیفی-تحلیلی، به این سؤال پاسخ دهد که هدف ابن طباطبا از صدق تشبیه با ذکر ادات تشبیه چیست؟

۲. مبانی نظری

۲-۱. صدق تشبیه

«صدق» بارزترین اصطلاحی است که ابن طباطبا در «عیارالشعر»، آن را به کار بسته است. صدق، محور اصلی ابداع او محسوب می‌شود؛ زیرا شاعر را به تعبیر صادقانه دعوت می‌کند. (المعطانی، ۲۰۰۰م: ۶۹-۷۴) برخی از پژوهشگران، به دلیل تأکید ابن طباطبا به صدق در نقد شعر، وی را در زمرهٔ ناقدانی قرار داده‌اند که شعارشان «خیر الشعر أصدقه» است. (عامر، ۱۴۲۱ق: ۷۱-۷۴) داعیان

صدق در شعر، شاعران را به ترک اغراق و مبالغه در شعر دعوت می‌کنند. (جرجانی، ۲۰۰۱م: ۱۹۶) در حالی که ابن طباطبا زیبایی هر چیزی را در اعتدال آن می‌بیند «وعلّه کل حسن مقبول الاعتدال» (ابن طباطبا، ۱۹۸۲م: ۲۱) و شاعر را به اعتدال در مبالغه و اغراق و مجاز نزدیک به حقیقت دعوت می‌کند. (الجوزو، ۱۹۸۱م: ۱۵۲-۱۵۳) بنابراین اغراق و مبالغه در تشبیه را نیز به شرط اعتدال، در آن می‌پذیرد. برخی از پژوهشگران، انواع صدق از دیدگاه ابن طباطبا را به پنج نوع صدق فنی، تجربی، تاریخی، اخلاقی و صدق تصویری - که ابن طباطبا از آن به صدق تشبیه تعبیر می‌کند - تقسیم کرده‌اند. (عباس، ۱۹۷۱م: ۱۴۴) صدق در تشبیه به دلیل ظهور عنصر تخیل و مبالغه در آن، منزلت فروتر نسبت به انواع دیگر صدق از دیدگاه ابن طباطبا دارد که از آن به صدق مجازی نیز تعبیر می‌شود. (عرضاوی، ۲۰۱۱م: ۱۸۱) بنابراین صدق در تشبیه از دیدگاه ابن طباطبا به معنای صدق واقعی تشبیه نیست، بلکه صدق فنی آن است (المعطانی، ۲۰۰۰م: ۱۵۵) که علاوه بر اینکه شاعر را به تکیه بر احساس خویش در بیان آن، دعوت می‌کند: «أصالة الكاتب في تعبيره و رجوعه فيه إلى ذات نفسه، لا إلى العبارات التقليدية المحفوظة و هذا الصدق الفني أو الإصالة هو أساس تقدم الفنون جميعاً»^۱ (غنیمی هلال، ۱۹۹۷م: ۲۱۴) بلکه به اعتدال در به‌کاربردن اغراق و مبالغه نیز دعوت می‌کند تا به حقیقت نزدیک شود. از جمله معیارهای وی برای صدق فنی تشبیه می‌توان به پیروی از سنت شاعران قدیم عرب در تشبیه، ذکر ادات تشبیه، تعدد وجه شبه و قابلیت عکس تشبیه، اشاره کرد. یادآوری می‌شود که به دلیل ارتباط دیدگاه‌های نقدی ابن طباطبا با علم بلاغت، (مازن مبارک، ۱۹۸۱م: ۷۹) ارائه تصویری جامع‌تر از دیدگاه‌های وی در صدق تشبیه، مستلزم تبیین و تحلیل آن‌ها بر اساس دیدگاه دانشمندان و صاحب‌نظران علم بلاغت است.

۱-۲. معیار صدق تشبیه از دیدگاه ابن طباطبا

ابن طباطبا^۲ در «عیار الشعر»، دیدگاه خویش در مورد تشبیه را به طور منظم، در یک فصل و با یک عنوان مشخص مطرح نکرده است، بلکه به طور پراکنده در لابه‌لای آن، معیارهایی را برای بلاغت تشبیه در شعر، منعکس می‌کند. وی در آغاز کتاب «عیار الشعر»، با عبارت زیر، شاعر را به اجتناب از تشبیه کاذب دعوت می‌کند: «إجتنا ب ما يَشِينُهُ مِنْ سَفْسَافِ الْكَلَامِ وَسَخِيفِ اللَّفْظِ وَالْمَعَانِي، الْمُسْتَبْرَدَةِ وَالتَّشْبِيهَاتِ الْكَاذِبَةِ أَوْ الْإِشَارَاتِ الْمَجْهُولَةِ»^۳ (ابن طباطبا، ۲۰۰۵م: ۱۰) ابن طباطبا علی‌رغم اینکه تعریفی از تشبیه کاذب ارائه نداده است، اما در ارزیابی تشبیه، معیار صدق

را اساسی‌ترین معیار ارزیابی بلاغت تشبیه در شعر قرار داده است. یکی از معیارهایی که ابن-طباطبا صداقت شاعر در تشبیه را به واسطه آن معرفی می‌کند، ذکر ادات تشبیه است. گفتنی است که به دلیل ارتباط مستقیم معیار ذکر ادات تشبیه با معیار دیگر ابن طباطبا؛ یعنی پیروی از سنت شاعران قدیم عرب در تشبیه، برای تبیین جامع‌تر دیدگاه ابن طباطبا در تأکید به ذکر ادات تشبیه، ابتدا به تحلیل معیار پیروی از سنت شاعران قدیم عرب در تشبیه پرداخته می‌شود:

معیار اول: پیروی از سنت شاعران قدیم عرب در تشبیه

ابن طباطبا، معیارهای ارزیابی تشبیه از دیدگاه خویش را با توصیف راه و رسم شاعران قدیم عرب در تشبیه آغاز می‌کند و بر این باور است که تشبیه و توصیف شاعران قدیم عرب، از آنچه در طبیعت و محیط اطراف خود به چشم خویشتن می‌دیدند و تجربه می‌کردند، تجاوز نمی‌کرد. در نتیجه، تشبیه و توصیف آنان تعبیری صادقانه از احساس و ادراک آنان از محیط زندگی خویش است: «وَعَلِمَ أَنَّ الْعَرَبَ أَوْدَعَتْ أَشْعَارَهَا مِنَ الْأَوْصَافِ وَالتَّشْبِيهِاتِ وَالْحِكْمِ مَا أَحَاطَتْ بِهِ مَعْرِفَتُهَا وَأَدْرَكَهَا عِيَانُهَا وَمَرَّتْ بِهَ تَجَارِبُهَا وَهَمَّ أَهْلُ وَبَرٍ، صَحُونُهُمُ الْبَوَادِي وَسُقُوفُهُمُ السَّمَاءُ فَلَيْسَتْ تَعْدُو أَوْصَافُهُمْ مَا رَأَوْهُ مِنْهُمَا وَفِيهِمَا، وَ فِي كُلِّ وَاحِدَةٍ مِنْهُمَا فِي فُصُولِ الزَّمَانِ عَلَى اخْتِلَافِهَا مِنْ شَتَاءٍ وَ رَبِيعٍ ... وَكُلٌّ مَتَوَلِّدٌ مِنْ وَقْتٍ نَشِئَةٍ، وَ فِي حَالٍ نَمُوٍّ إِلَى حَالٍ النِّهَايَةِ، فَضَمَّنَتْ أَشْعَارُهَا مِنَ التَّشْبِيهِاتِ مَا أَدْرَكَهُ مِنْ ذَلِكَ عِيَانُهَا وَحِسُّهَا إِلَى مَا فِي طِبَائِعِهَا وَ أَنْفُسِهَا مِنْ مَحْمُودِ الْأَخْلَاقِ وَمَذْمُومِهَا فِي رَخَائِهَا وَشِدَّتِهَا، وَرِضَايَا وَغَضَبِهَا... وَ الْحَالَاتِ الْمَتَصَرِّفَةِ فِي خَلْقِهَا وَخُلُقِهَا مِنْ حَالِ الطُّفُولَةِ إِلَى حَالِ الْهَرَمِ، وَ فِي حَالِ الْحَيَاةِ إِلَى حَالِ الْمَوْتِ، فَشَبَّهَتِ الشَّيْءَ بِمِثْلِهِ تَشْبِيهًا صَادِقًا عَلَى مَا ذَهَبَتْ إِلَيْهِ فِي مَعَانِيهَا الَّتِي أَرَادَتْهَا»^۴ (همان: ۱۶-۱۷) ابن طباطبا تشبیه را ترجمانی دقیق از مشاهدات و ادراک و همچنین تجارب شاعران قدیم عرب از محیط زندگی آنان توصیف می‌کند. (احمد توفیق، ۲۰۰۷: ۲۴۲) وی بعد از توصیف روش شاعران قدیم عرب در تشبیه، به دلیل اعتماد آنان بر احساس و ادراک خویش از محیط زندگی خویش: «فَضَمَّنَتْ أَشْعَارُهَا مِنَ التَّشْبِيهِاتِ مَا أَدْرَكَهُ مِنْ ذَلِكَ عِيَانُهَا وَ حِسُّهَا» (همان: ۱۷) از تشبیه آنان، به صدق یاد می‌کند: «فَشَبَّهَتِ الشَّيْءَ بِمِثْلِهِ تَشْبِيهًا صَادِقًا عَلَى مَا ذَهَبَتْ إِلَيْهِ فِي مَعَانِيهَا الَّتِي أَرَادَتْهَا» (همان: ۱۷) آن‌گاه شاعران معاصر خویش را به پیروی از روش و اسلوب آنان در تشبیه دعوت می‌کند: «فَتَسَلَّكَ فِي ذَلِكَ مِنْهَا جَهْمٌ وَتَحْتَنِي عَلَى مِثَالِهِمْ»^۵ (همان: ۱۹) بنابراین ابن طباطبا با دعوت شاعران معاصر خویش به پیروی از روش شاعران

قدیم عرب در تشبیه از آنان می‌خواهد تا در تشبیه بر احساس و ادراک خویش از محیط زندگی خویش تکیه کنند و تشبیه را متناسب با طبع و شرایط حاکم بر زمان و مکان عصر خویش، به عنصر صدق آراسته کنند؛ چرا که ابن طباطبا تشبیهی را که شاعر در آن بر احساس و ادراک خویش از محیط پیرامون تکیه کند، صادقانه ارزیابی می‌کند. تأکید ابن طباطبا به صدق که نه تنها در تشبیه، بلکه بر بسیاری از معیارهای نقدی وی سایه افکنده، محور اصلی ابداع است؛ زیرا شاعر را به تعبیر صادقانه دعوت می‌کند. (سالم جابر المعطانی، ۲۰۰۰م: ۶۹-۷۴) در نتیجه می‌توان چنین استنباط کرد که ابن طباطبا با دعوت شاعران به تعبیر صادقانه در تشبیه، با تکیه بر احساس و ادراک خویش از محیط زندگی، به نوآوری در تشبیه نیز دعوت می‌کند؛ زیرا محیط زندگی شاعران هم عصر ابن طباطبا دستخوش تغییراتی شده است که الهام آنان از محیط را نیز تحت تاثیر قرار می‌دهد.

احسان عباس معتقد است که ابن طباطبا در نقد شعر، پیروی از سنت‌های حاکم بر شعر عربی را معیار اصلی خویش قرار داده است: «أَتَبَاعُ السَّنَةِ أَوِ الْمَوْرُوثِ هُوَ مَعْتَمِدُ ابْنِ طَبَّاطَبَا فِي النَّقْدِ»^۶ (احسان عباس، ۱۴۰۶ق: ۱۳۴) که این معیار نقدی مبین آن است که ابن طباطبا شعر را بازتابی از محیط زندگی شاعر می‌داند: «أَنَّهُ لَا يَرَى الشَّعْرَ مُنْفَصِلًا عَنِ الْبَيْئَةِ وَالْمَثَلِ الْأَخْلَاقِيَّةِ»^۷ (همان: ۱۳۴) از دیدگاه احسان عباس، ابن طباطبا با دعوت شاعران معاصر خویش، به پیروی از سنت شاعران قدیم عرب در تشبیه و توصیف، نتوانست قانون تغییر زمان و مکان را بر شاعران هم عصر خویش تطبیق دهد: «وَأِنْ لَمْ يَسْتَطِعْ أَنْ يُطَبِّقَ عَلَى مُعَاَصِرِهِ قَانُونِ تَغْيِيرِ الْبَيِّنَاتِ وَالْأَزْمِنَةِ»^۸ لازم است توضیح داده شود که دیدگاه احسان عباس در مورد اینکه ابن طباطبا، شعر را تابع محیط شاعر می‌داند، نظری قابل قبول است که خود ابن طباطبا نیز به صراحت، آن را در «عیار الشعر» مطرح کرده است: «وَهُمْ أَهْلُ وَبَرٍ، صُحُونَهُمُ الْبَوَادِي وَسُقُوفُهُمُ السَّمَاءُ ... فَلَيْسَتْ تَعْدُو أَوْصَافَهُمْ مَا رَأَوْهُ مِنْهُمَا وَفِيهِمَا... فَضَمَّنَتْ أَشْعَارُهَا مِنَ التَّشْبِيهَاتِ مَا أَدْرَكَهُ مِنْ ذَلِكَ عَيَانُهَا وَحُشَاهَا» (ابن طباطبا، ۲۰۰۵م: ۱۶) اما در مورد نبود مطابقت محیط جدید شاعران معاصر ابن طباطبا با معیار پیروی از روش شاعران قدیم عرب در تشبیه، حکم درستی صادر نکرده است، به نظر می‌رسد، استنباط احسان عباس از این معیار آن است که ابن طباطبا، شاعران را به پیروی از آنچه شاعران قدیم عرب، تشبیه کرده‌اند، دعوت می‌کند؛ در حالی که از دیدگاه ابن طباطبا آنچه عنصر صداقت، در تشبیه شاعران قدیم را پررنگ‌تر می‌کند، تکیه و اعتماد آنان به چیزی که با چشم

خویش از محیط و طبیعت پیرامون می‌بینند و تجربه می‌کنند: «ما أدرکه من ذلك عيانها وحسّها». (همان: ۱۶) بنابراین بر خلاف دیدگاه احسان عباس، هدف ابن طباطبا از معیار؛ پیروی از شاعران قدیم عرب در تشبیه، پیروی از روش آنان در تشبیه است نه پیروی از آنچه که آنان تشبیه کرده‌اند. پیروی از سنت شاعران قدیم عرب، نه تنها با تغییرات محیطی زندگی شاعران معاصر ابن طباطبا منافاتی ندارد، ابن طباطبا با این معیار، شاعران را با تکیه بر احساس و ادراک خویش، به نوآوری در تشبیه نیز دعوت می‌کند.

معیار دوم: ذکر ادات تشبیه

ابن طباطبا در بخشی از کتاب «عیارالشعر»، معیاری دیگر برای ارزیابی تشبیه شاعران معرفی می‌کند و آن ذکر ادات تشبیه است؛ اداتی که بسیاری از دانشمندان بلاغت، علاوه بر اینکه ضرورتی در ذکر آن در تشبیه نمی‌بینند: «و اعلم أن ليس من الواجب في التشبيه ذكر كلمة التشبيه»^۹ (سکاکی، ۱۴۲۰ق: ۴۶۳) بلکه تشبیهی را که ادات تشبیه در آن ذکر نشود، به مبالغه و ایجاز نزدیک‌تر می‌دانند: «إن التشبيه المضمّر أبلغ من التشبيه المظهر وأوجزُ أما كونه أبلغ فلجعل المشبه مشبهاً به من غير واسطة أداة، ... و أما كونه أوجز فلحذف أداة التشبيه منه»^{۱۰} (ابن اثیر، ۱۹۷۳م: ج ۹۷/۲) با این حال ابن طباطبا، ذکر ادات تشبیه را معیاری دیگر برای ارزیابی صدق تشبیه در «عیارالشعر» به-شمار آورده است. به عقیده وی، زمانی که شاعر در تشبیه خود، از ادات تشبیهی؛ مانند «كأن» و «ككذا»، استفاده کند، تشبیه او دلالت بر صدق می‌کند و اگر از افعالی؛ مانند «یری، یکاد، تخال و...» بهره بگیرد، دلالت بر این دارد که تشبیه شاعر به صداقت نزدیک است: «فما كان من التشبيه صادقاً قلت في وصفه: كأنه أو قلت ككذا، و ما قارب الصدق قلت فيه: تراه، تخاله أو يكاد»^{۱۱} (ابن-طباطبا، ۲۰۰۵م: ۲۷) ابن طباطبا، بیت «نظرتُ إليها والمجوم كأنها مصابيحُ رهبانٍ تُشبهُ لِقْفالاً»^{۱۲} (همان: ۲۸) از امروءالقیس را که ابن رشیق در «العمدة»، در باب مبالغه و با عنوان اغراق در وصف نار(قیروانی، ۱۹۸۱م: ج ۵۴/۲) و ابو هلال عسکری در «دیوان المعانی» به عنوان «أحسن ما قيل في النجوم من الشعر القديم» (عسکری، ۱۹۹۴م: ج ۳۲۰/۱) ذکر کرده‌اند، به واسطه ذکر «كأن» در آن، به تشبیه صادق توصیف می‌کند. وجه شبه بین ستارگان و چراغ راهبان در درخشندگی، پراکندگی و هدایتگری است. شاعر، ستارگان را به چراغ‌های برافروخته تشبیه کرده است که در طول شب، نورانی و درخشان هستند؛ اما هرچه به صبح نزدیک‌تر می‌شود، نورشان کم‌فروغ‌تر

می‌شود. ابن طباطبا «تَشْبِهُ لِقَالٍ» را چنین شرح می‌دهد: هنگامی که قبایل بادیه‌نشین عرب قصد بازگشت از بیلاق به قشلاق، یا از قشلاق به بیلاق را داشتند، برای آنان آتش افروخته می‌شد تا راه خود را بیابند و گمراه نشوند. (ابن طباطبا، ۲۰۰۵م: ۲۸) در میان دانشمندان نقد و بلاغت، ابن طباطبا نخستین کسی است که از ادات تشبیه و تأثیر آن در صداقت تشبیه، سخن به میان آورده است. در منابع معتبر بلاغت، در مورد ذکر ادات تشبیه و دلالت آن‌ها، دیدگاه‌هایی ارائه شده است که برای تبیین دقیق‌تر دیدگاه ابن طباطبا، به آن‌ها اشاره می‌شود:

۱. ذکر ادات تشبیه در تشبیه جدید

از تبیین و تحلیل دیدگاه ابن طباطبا در معیار پیروی از سنت شاعران قدیم عرب در تشبیه، این نتیجه حاصل شد که هدف ابن طباطبا از این معیار، دعوت شاعران به تعبیر صادقانه، با تکیه بر احساس و ادراک خویش از محیط زندگی خویش و همچنین دعوت آنان به نوآوری در تشبیه است. صاحب‌نظران علم بلاغت، در تشبیه جدید که وجه شبه بین مشبه و مشبه‌به، مبهم و دور از عرف است، ذکر ادات تشبیه را توصیه کرده‌اند: «کَلِمَا كَانَ مَكَانَ الشَّيْءِ بَيْنَ الشَّيْئَيْنِ أَخْفَى وَأَغْمَضُ وَ أَبْعَدُ مِنَ الْعَرَفِ، كَانِ الْإِتْيَانُ بِكَلِمَةِ التَّشْبِيهِ أَيْبَنَ وَأَحْسَنَ وَأَكْرَعَ فِي الْإِسْتِعْمَالِ»^{۱۳} (عبدالقاهر جرجانی، ۲۰۰۱م: ۲۳۷) ادات تشبیه که هدف از حذف آن، ایجاز در کلام است: «إِنَّ التَّشْبِيهَ الْمَضْمَرُ أْبْلَغُ مِنَ التَّشْبِيهِ الْمَظْهَرِ وَأَوْجَزُ... وَأَمَّا كَوْنُهُ أَوْجَزَ فَلِحُذْفِ أَدَاةِ التَّشْبِيهِ مِنْهُ»^{۱۴} (ابن اثیر، ۱۹۷۳م: ج ۹۷/۲) به شرطی حذف می‌شود که غرض تشبیه برای مخاطب آشکار باشد: «وَأَمَّا الْحَذْفُ، فَإِنَّ الْعَرَبَ تَسْتَعْمَلُهُ لِلْإِيجَازِ وَالْإِخْتِصَارِ وَالْإِكْتِفَاءِ بِسِيرِ الْقَوْلِ إِذَا كَانَ الْمَخَاطَبُ عَالِمًا بِمَرَادِهَا فِيهِ» (ابن وهب، ۱۹۶۷م: ۱۵۰)؛ چرا که اعراب به دلیل علم مخاطب، به ایجاز سخن می‌گویند و کلام را مختصر می‌کنند: «الْعَرَبُ تَخْتَصِرُ الْكَلَامَ لِعِلْمِ الْمَخَاطَبِ بِمَا أُرِيدَ، كَأَنَّهُ أَرَادَ.» (آمدی، ۱۹۸۷م: ۳۸۰) بنابراین بین معیار پیروی از سنت شاعران قدیم عرب و ذکر ادات تشبیه ارتباطی عمیق برقرار می‌شود که بیان‌کننده آن است که هدف ابن طباطبا در تأکید به ذکر ادات تشبیه به دلیل دعوت وی، به نوآوری در تشبیه است، تا مخاطب از طریق ادات تشبیه، از معنای تشبیه آگاهی یابد.

۲. ذکر ادات تشبیه شرط حسن غلو

ابن ابی الإصبع مصری در کتاب «تحریرالتحییر»، اغراق و مبالغه و غلو را از هم تفکیک کرده و بر این باور است که اغراق و غلو، به شرطی در آیات قرآن و همچنین در سخن فصیح، واقع می‌-

شود که با قرائن لفظی چون کاد از باب استحاله خارج شود: «الإغراق فوق المبالغة ودون الغلو ولا يقع شيء من الإغراق والغلو في كتاب العزيز، ولا الكلام الصحيح الفصيح إلا مقرونا مما يخرج من باب الاستحالة ويدخله في باب الامكان، مثل ما كاد وما يجري مجراها»^{۱۵} (ابن أبی الإصبع المصري، ۱۹۹۵م: ۳۲۱) وی در ادامه، شرط حسن غلو را اقتران آن به قرائن لفظی از جمله، ادات تشبیه معرفی می‌کند که غلو را از باب محال به باب امکان و در واقع به حقیقت نزدیک می‌کند: «(غلو) وهو لا يعد من المحاسن إلا إذا اقترن به ما يقربه من الحق، كقد للإحتمال، و لو ولولا للامتناع، و كاد للمقاربة، وداء التشبيه، وآلة التشكيك، وأشبه ذلك من القرائن اللفظية»^{۱۶} (همان: ۳۲۳) علوی یمنی (۷۴۵ق) در کتاب الطراز، ادات تشبیهی را که ابوالاصبع ذکر آن را شرط حسن غلو می‌داند، کأن معرفی کرده است. علوی بعد از معرفی اغراق به عنوان نوع دوم مبالغه «ما كان ممكن الوقوع لكنه ممتنع وقوعه في العادة و هو الإغراق ثم هو على وجهين»^{۱۷} (علوی یمنی، ۲۰۰۲م: ج ۳/ ۶۹) کأن را از میان ادات تشبیه، از قرائن لفظی معرفی می‌کند که علاوه بر اینکه پذیرفتن اغراق را برای عقل ممکن می‌سازد، بلکه به زیبایی باب اغراق نیز می‌افزاید: «الوجه الأول منهما و هو أعجبهما و أدخلهما في العقول وصحة الأصغاء إليه، وهو كل يقترب به كاد، و لو، و لولا وحروف التشبيه و هو كأن فمتى اقترنت به أحد هذه الأمور ازداد حسنه وظهر اعجابه»^{۱۸} (همان: ۶۹) بنابراین ذکر ادات تشبیه کأن، علاوه بر اینکه غلو را به حقیقت نزدیک می‌کند، پذیرش اغراق را نیز برای عقل ممکن می‌سازد. با وجود این، ابو الإصبع، بیتی را که ابن طباطبا از امرؤ القیس در «عیارالشعر» به عنوان مثال برای تشبیه صادق ذکر کرده، با بیتی از مهمل که از آن به عنوان دروغ آمیزترین شعر سروده شده عرب، ذکر شده است: «فلولا الريح أسمع من بحجر/ صليل البيض تُقرع بالذكور»^{۱۹} (همان: ۳۲۴ و مهمل، ۱۹۹۶م: ۴۱) مقایسه کرده و بیت مهمل را صادقانه‌تر از بیت مذکور امرؤ القیس می‌داند؛ زیرا معتقد است بیت مهمل به دلیل ذکر قرینه لفظی «لولا» به صدق نزدیک‌تر است؛ در حالی که بیت امرؤ القیس: «نظرتُ إليها و البجوم كأنها مصابيحُ رهبانٍ تُشبهُ لُفُفًا»^{۲۰} (ابن طباطبا، ۲۰۰۵م: ۲۸) علاوه بر اینکه از قرائن لفظی خالی است، بلکه بیت قبلی آن دلالت بر روشنایی روز دارد و روشنایی روز، مانع از درخشش ستارگان در روز روشن می‌شود: «قد تقدم في بيت مهمل، لولا وهي من الحروف التي زعموا أن الكلام باقترانه بها يبعد من العيب بته و ليس في بيت امرئ القيس شيء من ذلك مع خلوه مما يقربه من الإمكان شيء

من ذلك، مع أنه قد صرح في البيت الذي قبله أن النار إنما سُتبت في وجه النهار، عند رجوع مغيرة من المغار... وضوء النهار يمنع من رؤية النيران والكواكب وجميع الأجرام المضئية، وهذا القدر يدخل بيت امرئ القيس في باب الاستحالة، مع خلو مما يقربه من الإمكان.^{۲۰} (ابو الإصبع، ۱۹۹۵م: ۳۲۵)

لازم است یادآوری شود که علی رغم اینکه ابوالإصبع، ادات تشبیه را از جمله قرائن لفظی برای شرط حسن غلو، معرفی کرده است؛ اما به صراحت بیان می‌کند که در بیت امرؤالقیس، قرینه لفظی وجود ندارد تا دلالت بر نزدیکی به حقیقت داشته باشد، و این در حالی است که در بیت امرؤالقیس، ادات تشبیه کأنّ که علوی ذکر آن را شرط حسن اغراق تلقی می‌کند، ذکر شده است. با توجه به تنها بیتی که ابن طباطبا در «عیارالشعر» به عنوان تشبیه صادق، به دلیل ذکر ادات تشبیه کأنّ در آن، به عنوان مثال ذکر کرده است، به نظر می‌رسد که هدف ابن طباطبا از تشبیه صادق به شرط ذکر ادات تشبیه «کأنّ»، نزدیک شدن اغراق و غلو به حقیقت و خارج شدن آن از باب محال است؛ زیرا به عقیده برخی از صاحب نظران، ادات تشبیه به قصد مبالغه از تشبیه، حذف می‌گردد: «وأما التشبيه بغير حرف، فيقصد به المبالغة، تنزيلا للثاني منزلة الأول تجوزا...»^{۲۱} (زرکشی، ۱۹۸۸م: ۴۷۶)

۳. تأکید و مبالغه در تشبیه با کأنّ

دانشمندان و صاحب نظران علم نحو، در مورد بسیط یا مرکب بودن «کأنّ» اختلاف نظر دارند؛ اما غالباً بر مرکب بودن «کأنّ» نظر داده‌اند؛ خلیل، سیبویه، اخفش و اکثر پیروان مکتب بصره، معتقد به مرکب بودن «کأنّ» هستند. (المرادی، ۱۹۹۲م: ۵۶۸) سیبویه (۱۸۰ق) در «الکتاب»، دیدگاه استاد خویش، خلیل را که معتقد به مرکب بودن «کأنّ» است، چنین نقل می‌کند: «وسألت الخليل عن كأنّ، فزعم أنها إن لحقتها الكاف للتشبيه، ولكنها صارت مع إن بمنزلة كلمة الواحدة»^{۲۲} (سیبویه، ۱۹۹۲م: ج ۱/۳) زمخشری (۵۳۸ق) نیز با معرفی «کأنّ» به عنوان ادات تشبیه به مرکب بودن آن نظر داده است: «کأنّ: هي للتشبيه ركبت الكاف مع أن كما ركبت مع ذا و أي في كذا و كأي»^{۲۳} (زمخشری، ۲۰۰۴م: ۳۰۴) با تکیه بر دیدگاه اکثر علمای نحوی، «کأنّ»، ترکیبی از ادات تشبیه کاف و حرف تاکید «إنّ» است و زمانی به کار می‌رود که شباهت بین مشبه و مشبه به زیاد باشد: «کأنّ بالتشديد. حرف للتشبيه المؤكد؛ لأن الأكثر على أنه مركب من كاف التشبيه وأنّ المؤكدة قال حازم: إنما تستعمل حيث يقوى الشبه حتى يكاد الرائي يشك في أنّ المشبه هو المشبه به أو غيره و

لذلك قالت بلقيس: كأنه هو.^{۲۴} (سیوطی، ۲۰۰۸م: ۳۹۵) بنابراین «کأن»، دلالت بر تأکید و قوت تشبیه دارد: «و ثانیها: أن یضاف إلى حرف التشبيه حرف مؤكد، لیكون ذلك علما على قوة التشبيه و تأکیده».^{۲۵} (زرکشی، ۱۹۸۸م/۳: ۴۷۵) گفتنی است که ابن جنی نیز در «الخصائص» با پیروی از مکتب بصره دربارهٔ مرکب بودن «کأن»، به مبالغه و تأکید تشبیه به واسطه «کأن» اشاره کرده است. وی اصل جمله «کأن زیدا عمرو» را جمله «زید کعمرو» می‌داند که به هدف تأکید خبر، ابتدا «إن» به جمله اضافه شده، آن‌گاه برای مبالغه در تشبیه، ادات تشبیه کاف بر «إن» مقدم شده، و در نهایت، همزه «إن» به دلیل عامل بودن کاف تشبیه، به فتحه مبدل گشته است: «کأن زیدا عمرو». اعلم اصل هذا الکلام: زید کعمرو، ثم أرادوا توکید الخبر فزادوا فيه إن فقالوا: إن زیدا کعمرو، ثم إنهم بالغوا في توکید التشبيه فقدموا حرفه إلى أول الکلام عنایة به، و إعلاما أن عقد الکلام علیه، فلما تقدمت الکاف وهی جارة لم یجز أن تبأشر إن لأنها ینقطع عنها ما قبلها من العوامل، فوجب لذلك فتحها فقالوا: کأن زیدا عمرو.^{۲۶} (ابن جنی، ۱۹۵۲م: ج ۱/ ۳۱۷) لازم است یادآوری شود که ابن طباطبا در عیارالشعر، «کأن» را دلالت بر صدق تشبیه معرفی می‌کند، با توجه به دیدگاه دانشمندان بلاغت دربارهٔ دلالت «کأن» بر تأکید و قوت تشبیه، می‌توان چنین استنباط کرد که هدف ابن طباطبا از صدق تشبیه با ذکر کأن، به معنای تأکید و قوت و حتی مبالغه در تشبیه است.

۴. دلالت مشروط و یا مطلق «کأن» بر تشبیه

برخی از دانشمندان علم نحو که یکی از معانی غالب کأن را تشبیه ذکر کرده‌اند، براین باورند که «کأن» زمانی دلالت بر معنای تشبیه می‌کند که خبر آن جامد باشد؛ زیرا اگر خبر «کأن» به صورت مشتق، فعل، جارو مجرو و یا ظرف بیاید، «کأن» دلالت بر شک و تردید دارد: «و ذکرُوا لکأن أربعة معانٍ: أحدها: وهو الغالب علیها و المتفق علیه التشبيه وهذا المعنى أطلقه الجمهور لکأن و زعم جماعة منهم ابن السید البطلیوسی أنه لا یكون إلا إذا کان خبرها اسما جامدا نحو «کأن زیدا أسد» بخلاف «کأن زیدا قائم» أو فی الدار، أو عندک، أو یقوم « فإنها فی ذلك کله للظن».^{۲۷} (ابن هشام انصاری، ۱۹۹۱م: ج ۲۱۶/۱) پیروان مکتب کوفه، زجاج، ابن طراوة و ابن السید که به دلالت مشروط «کأن» نظر داده‌اند، بر این باورند که زمانی که خبر «کأن» به صورت مشتق و یا فعل و ... بیاید، خبر همان مشبه می‌شود، در حالی که محال است که چیزی به خودش تشبیه شود: «و زعم

الکوفیون والزجاجی: أنها إذا كان خبرها اسما جامدا كانت للتشبيه نحو: كأن زيدا أسدا، و إذا كان مشتقا كانت للشك بمنزلة ظننت و توهمت نحو: كأن زيدا قائم لأن الشيء لا يشبه بنفسه و وافق الكوفيين على ذلك ابن الطراوة و ابن السيد و صرح ابن السيد بأنه إذا كان الخبر فعلا، أو جملة، أو ظرفا فكما إذا كان صفة.^{۲۸} (سیوطی، ۱۹۹۲م: ج ۱۵۱/۲) سیوطی در کتاب «جمع الهوامع» با تکیه بر دیدگاه پیروان مکتب بصره که معتقد به دلالت مطلق «کأن» بر تشبیه هستند: «و كأن للتشبيه لا معنى لها عند البصريين غيره»^{۲۹} (همان: ۱۵۰)، برخلاف دیدگاه پیروان مکتب کوفه، بر این باور است که در صورت مشتق بودن خبر «کأن» که خبر به واقع همان مشبه است، هیأت و حال مشبه می‌تواند در یک حالت، به حالت و هیأت دیگرش تشبیه شود، به این معنا که در جمله «کأن زيدا قائم» زید در حالت غیر قائم به حالتی که در حال قیام باشد، تشبیه شده است: «و أجيب بأن الشيء يشبه في حالة ما به في حالة أخرى فكأنك شبهت زيدا، و هو غير قائم به قائما أو التقدير: كأن هيئة زيد هيئة قائم»^{۳۰} (همان: ۱۵۱) بنابراین خبر مشتق، یا جمله و یا جار و مجرور کأن، منافاتی با دلالت کأن بر معنای تشبیه ندارد. دسوقی در حاشیه «مغنی اللیب»، در شرح بیت زیر که خبر «کأن» به صورت فعل آمده است:

فأصبح بطن مكة مقشعرا كأن الأرض ليس بها هشام^{۳۱}

(دسوقی، ۲۰۰۰م: ج ۴۹۶/۱)

وی معتقد است که زمین (مشبه به) به حالت دیگرش که هشام در آن نیست، تشبیه شده است: «كأن الأرض أى: مع وجوده فيها ليس بها هشام أى: شبهة بالأرض التي ليس هو فيها»^{۳۲} (همان: ۴۹۶) ابن طباطبا در «عیارالشعر»، ابیاتی را به عنوان شاهد برای انواع تشبیه ذکر می‌کند که خبر «کأن»، به صورت غیر جامد در بیت زیر از کعب بن زهیر آمده است:

و ليلة مشتاق كأن نجومها تفرقن منها في طيالة خضر^{۳۳}

(ابن طباطبا: ۲۰۰۵م: ۳۲)

در این بیت، خبر «کأن» به صورت جمله فعلیه آمده است، با توجه به شرح دسوقی، در این بیت نیز، مشبه (ستارگان) به حالت دیگرش که لباس سبز بر تن دارد، تشبیه شده است. گفتنی است که با توجه به تشبیه‌هایی که ابن طباطبا در عیارالشعر با خبر مشتق و یا جمله‌ی «کأن»، به عنوان

مثال برای انواع تشبیه ذکر کرده است، چنین به نظر می‌رسد که ابن طباطبا به پیروی از مکتب بصره، «کأن» را بدون قید و شرط از ادات تشبیه، به‌شمار می‌آورد.

۵. دلالت افعال قلوب بر تشبیه

برخی از صاحب‌نظران بلاغت، در بحث از ادات تشبیه به افعالی اشاره کرده‌اند که به نیابت از ادات تشبیه، از تشبیه خبر می‌دهد؛ مانند فعل علم در «علمت زیداً أسداً»، و بر این باورند که فعل «علم» زمانی در تشبیه استفاده می‌شود که تشبیه قریب و یا به بیانی دیگر، شباهت بین مشبه و مشبه‌به زیاد باشد و اگر تشبیه بعید و یا شباهت بین مشبه و مشبه‌به اندک باشد، از افعالی مانند «خال» و «حسب» استفاده می‌گردد: «و قد يذكر فعل ينبئ عن التشبيه، كعلمت في قولك « علمت زيدا أسداً ونحوه. هذا إذا قرب التشبيه فإن بعد أدنى تبعيد؛ قيل خلته وحسبته ونحوهما»^{۳۴} (قزوینی، ۲۰۰۳: ۱۸۰) گفتنی است که قرطاجنی (۶۸۴ ق) در منهاج البلغاء، دلیل وضع ادات تشبیه را دلالت آن بر وجود تشبیه، بدون در نظر گرفتن مقدار شباهت بین مشبه و مشبه‌به بیان کرده و معتقد است که مقدار شباهت، تأثیری در صداقت تشبیه ندارد: «فإذا قيل في الشيء: إنه كالشيء، وكان فيه شبه منه فهو قول حق، لأن الكاف و حروف التشبيه إنما وضعت لأن تدل على الشبه من حيث إنه موجود، قل أو كثر لا من حيث الكمية؛ فقد يقوى الشبه ويضعف وتكون المحاكاة مع ذلك صادقة إلا أنها في أحد الحالين أوضح»^{۳۵} (قرطاجنی، ۱۹۸۶: ۷۵) بنابراین افعال قلوب که از دیدگاه قزوینی، از معنای تشبیه خبر می‌دهد و دلالت بر حالت قرب و بعد تشبیه یا مقدار شباهت دارد، جز ادات تشبیه محسوب نمی‌شوند؛ زیرا بر اساس دیدگاه قرطاجنی، ادات تشبیه بر وجود تشبیه دلالت می‌کنند، نه بر حالت قرب و بعد تشبیه که نشان‌دهندهٔ مقدار شباهت است. از این رو، برخی از دانشمندان، افعال قلوب را در چنین اوضاعی، فقط دلالت بر حالت تشبیه از لحاظ قرب و بعد آن می‌دانند و بر این باورند که ادات تشبیه در آن‌ها در تقدیر است؛ زیرا معنای تشبیه بدون در تقدیر گرفتن ادات تشبیه استوار نمی‌گردد: «في كون هذه الأفعال تنبئ عن التشبيه نوع خفاء، والأظهر: أن الفعل ينبئ عن حال التشبيه في القرب والبعد، وأن الأداة محدودة مقدرة، لعدم استقامة المعنى بدون كنهو زيد أسدً و أنه أسدٌ لا أن علمت منبئ عنه»^{۳۶} (طیبی، ۱۹۸۶: ۱۷۳) یادآوری می‌شود که ابن طباطبا در «عیارالشعر»، در بحث از صداقت تشبیه با ذکر ادات تشبیه اصلی، به صداقت افعال قلوب؛ مانند «رأى» (دلالت بر علم و یقین) و «خال» (دلالت

بر ظن و گمان) نیز اشاره می‌کند و بر این باور است که تشبیه به واسطه آن‌ها، نزدیک به صدق است: «فَمَا كَانَ مِنَ التَّشْبِيهِ صَادِقًا قُلْتُ فِي وَصْفِهِ: كَأَنَّهُ أَوْ قُلْتُ كَكَذَا، وَ مَا قَارِبَ الصَّدَقِ قُلْتُ فِيهِ: تَرَاهُ، تَخَالُهُ أَوْ يَكَادُ»^{۱۱} (ابن طباطبا، ۲۰۰۵: ۲۷) چنین به نظر می‌رسد که ابن طباطبا افعال قلوب را جز ادات تشبیه اصلی نمی‌داند و دلالت آن‌ها بر معنای تشبیه را با تقدیر ادات تشبیه میسر می‌داند؛ زیرا صداقت تشبیه با افعال قلوب «رأى» (علم و یقین) و «خال» (ظن و گمان) را کمتر از صدق تشبیه با ادات اصلی قرار داده است. خاطر نشان می‌سازد که ابن طباطبا دلالت فعل «رأى» و «خال» بر صدق تشبیه را بدون در نظر گرفتن دلالت آن‌ها بر قرب و بعد تشبیه، به یک میزان از صداقت تلقی کرده است: «و مَا قَارِبَ الصَّدَقِ قُلْتُ فِيهِ: تَرَاهُ، تَخَالُهُ أَوْ يَكَادُ»^{۱۱} (همان: ۲۷) که این امر مبین آن است که مقدار شباهت از دیدگاه وی تأثیری در صداقت تشبیه ندارد.

نتیجه

از تبیین و تحلیل دیدگاه ابن طباطبا در ارزیابی صدق تشبیه بر اساس ذکر ادات تشبیه، این نتیجه حاصل شد که:

۱. هدف ابن طباطبا از دعوت شاعران به پیروی از سنت شاعران قدیم عرب در تشبیه، دعوت به پیروی از روش آنان در تکیه بر ادراک و احساس خویش از محیط پیرامون خویش، ابداع و تجدید در تشبیه است.
۲. ذکر ادات تشبیه در تشبیه جدید، به دلیل متعارف نبودن آن، بهتر است.
۳. ذکر ادات تشبیه به عنوان قرینه لفظی، اغراق و غلو را به حقیقت نزدیک می‌کند.
۴. صدق تشبیه با ذکر ادات تشبیه «كأن»، به معنای تاکید و قوت تشبیه است.
۵. ابن طباطبا در دلالت مطلق «كأن» بر ادات تشبیه، پیرو مکتب بصره است.
۷. از دیدگاه ابن طباطبا، دلالت افعال قلوب بر معنای تشبیه با در نظر گرفتن ادات تشبیه میسر است.
۶. ابن طباطبا بر این باور است که حالت قرب و بعد تشبیه و یا مقدار شباهت، تأثیری در صداقت تشبیه ندارد.

پی‌نوشت‌ها

۱. ترجمه: اصالت نویسنده در بیان احساسات خویش با تکیه بر ذات خویش، نه تکیه بر عبارات تکراری محفوظ، صدق فنی یا اصالت، محور پیشرفت همه فنون است.

۲. شاعر و ناقد قرن چهارم که در اصفهان متولد شد و در سال ۳۳۲ هجری در اصفهان وفات یافت. وی به ذکاوت و خوش ذوقی معروف بود. (الحموی، ۱۹۲۹م: ج ۱۷/۱۴۳)
۳. ترجمه: پرهیز از آنچه که از ارزش شعر می کاهد مانند سخنان نادرست، الفاظ و معانی بی اساس و اهانت- آمیز و تشبیه‌های کاذب یا اشارات بعید.
۴. ترجمه: و بدان که شاعران عرب آنچه از توصیف‌ها، تشبیه‌ها و حکمت‌هایی را که در اشعار خویش، به ودیعه گذاشته‌اند، توصیف‌ها و تشبیه‌هایی است که درک و شناخت آنان بر آن احاطه داشته و با چشم خویشتن، درک کرده‌اند... شاعران عرب، تازیان چادر نشین، محیط اطراف آنان، دشت‌ها و صحراها و سقف خانه‌هایشان، آسمان است و در هریک از آنان، در فصل‌های مختلف زمان از زمستان و بهار... و هر متولدگی از زمان نشأت، از حال رشد و نمو تا آخر... در نتیجه، تشبیه شاعران عرب، چیزی را در برگرفته است که با چشم و احساس خویش درک کرده‌اند... از اخلاق پسندیده و ناپسند، حالت خشنودی و غضب، و حالت‌های متغیر در جسم و خلق و خوی آنان، از دوران کودکی تا کهنسالی، از زمان حیات تا مرگ... پس شاعران با توجه به معانی که اراده می‌کردند، چیزی را به مانند آن، صادقانه تشبیه می‌کردند.
۵. ترجمه: پس روش آنان را پیش بگیر و از الگوهای آنان پیروی کن.
۶. ترجمه: تکیه ابن طباطبا در نقد، پیروی از سنت است.
۷. ترجمه: ابن طباطبا، شعر را جدا از محیط و الگوهای اخلاقی نمی‌بیند.
۸. ترجمه: هر چند که ابن طباطبا نتوانست قانون تغییر مکان و زمان را بر معاصران خویش تطبیق دهد.
۹. ترجمه: بدان که در تشبیه، ذکر ادات تشبیه ضرورتی ندارد.
۱۰. ترجمه: تشبیه بدون ذکر ادات تشبیه از تشبیه با ذکر ادات تشبیه مبالغه‌آمیزتر و موجزتر است؛ مبالغه آن به دلیل قرار دادن مشبه به صورت مشبه‌به، بدون واسطه ادات تشبیه و ایجاز آن به دلیل حذف ادات تشبیه است.
۱۱. ترجمه: تشبیهی را که صادق بود در توصیف آن بگو «کأن» یا «ککذا» و در توصیف تشبیهی که نزدیک به صادق است بگو تراه، تخاله و یکاد.
۱۲. ترجمه: به او (معشوق) نگریستم گویی ستارگانش همچون چراغ‌های راهبانی بودند که برای بازگشت‌کنندگان از سفر برافروخته می‌شدند.
۱۳. ترجمه: هر زمان وجه شبه بین مشبه و مشبه‌به بین دو شیء، پنهان‌تر، مبهم‌تر و دور از عرف باشد، ذکر ادات تشبیه، واضح‌تر، بهتر و کاربرد بیشتری دارد.
۱۴. ترجمه: عرب کلام را به دلیل آگاهی مخاطب، مختصر می‌کنند.
۱۵. ترجمه: اغراق شدیدتر از مبالغه و ضعیف‌تر از غلو است، در قرآن و کلام فصیح به شرطی اغراق و غلو واقع می‌شود که با قرینه‌ای چون «کاد» و امثال آن، از باب محال به باب امکان داخل شود.
۱۶. ترجمه: غلو به شرطی از محاسن به‌شمار می‌رود که به چیزی مقرون شود که آن را به حقیقت نزدیک کند؛ مانند «قد» برای احتمال، «لو» و «لولا» برای امتناع، «کاد» برای مقاربه، ادات تشبیه و سایر قراین لفظی.
۱۷. ترجمه: اغراق آن است که ممکن الوقوع باشد اما وقوع آن بر اساس عادت ممتنع باشد، اغراق بر دو نوع است.

۱۸. ترجمه: نوع اول اغراق که پسندیده‌تر و پذیرش آن بر عقل امکانپذیر است، اغراقی که به «کاد»، «لو» و «لولا» و ادات تشبیه «کأنّ»، مقرون شود، به زیبایی آن افزوده می‌شود و شگفتی آن آشکار می‌گردد.
۱۹. ترجمه: اگر باد نبود، از حجر (منطقه‌ای در یمامه) صدای به هم خوردن شمشیرهای تیز و برنده شنیده می‌شد. لازم است توضیح داده شود که بین حجر و محل جنگ به اندازه ده روز فاصله وجود دارد. (قیروانی، ۲۰۱: ج ۶۲/۲)
۲۰. ترجمه: تقدیم لولا در بیت مهلهل، از حروفی به شمار می‌آید که به‌کاربردن آن، غلو را از عیب دور می‌کند. در بیت امرؤالقیس علاوه براین‌که هیچ یک از آن حروف، ذکر نشده، بلکه در بیت قبلی آن، به صراحت بیان کرده که آتش در روشنائی روز، به هنگام برگشت مغیره از جنگ، برافروخته شده است، در حالی‌که روشنائی روز، از درخشیدن ستارگان و اجسام نورانی، جلوگیری می‌کند، و همین قدر، بیت امرؤالقیس را در باب محال وارد می‌کند.
۲۱. ترجمه: هدف از تشبیه بدون ذکر ادات، مبالغه است؛ زیرا مشبه به، به صورت مجازی در جایگاه مشبه قرار می‌گیرد.
۲۲. ترجمه: از خلیل در مورد «کأنّ» پرسیدم، به عقیده وی، در «کأنّ»، «إنّ» به کاف تشبیه ملحق شده و به منزله یک کلمه گشته است.
۲۳. ترجمه: «کأنّ» برای تشبیه است که کاف بر سر «إنّ» آمده، همانگونه که بر سر «ذا» و «أیّ» در «کذا» و «کأنّ» آمده است.
۲۴. ترجمه: «کأنّ» مشدد، ادات تشبیه مؤکد است؛ زیرا اغلب بر این باورند که مرکب از کاف تشبیه و «أنّ» مؤکد است. حازم: زمانی «کأنّ» استعمال می‌شود که شباهت چنان قوی باشد که بیننده را به شک اندازد که مشبه همان مشبه‌به است یا غیر از آن است، و به همین سبب بلقیس گفت: «کأنّه هو».
۲۵. دومین نوع ادات تشبیه، به حرف کاف، حرف تأکید «إنّ» اضافه می‌شود تا دلیلی بر قوت و تأکید آن باشد.
۲۶. ترجمه: اصل جمله «کأنّ» زیدا عمرو، جمله زید کعمرو است که به هدف تأکید خبر، «إنّ» به آن اضافه شده است: «إنّ زیدا کعمرو»، آن‌گاه به هدف مبالغه در تأکید تشبیه، کاف تشبیه مقدم شده است تا نشان دهد کلام بر تشبیه، استوار است. حرف جاره کاف به دلیل عامل بودن، همزه «إنّ» را به فتحه مبدل می‌کند: کأنّ زیدا عمرو.
۲۷. ترجمه: برای کأنّ چهار معنا ذکر کرده‌اند که یکی از معانی غالب آن تشبیه است. برخی، چون ابن السیّد، معتقد است «کأنّ» زمانی دلالت بر تشبیه دارد که خبر آن جامد باشد؛ مانند «کأنّ زیدا أسد»، برخلاف «کأنّ زیدا قائم یا فی الدار یا عندک یا یقوم» که «کأنّ» در این صورت دلالت بر ظن و گمان دارد.
۲۸. ترجمه: پیروان مکتب کوفه و زجاجی بر این باورند: زمانی که خبر «کأنّ» جامد باشد، دلالت بر تشبیه دارد؛ مانند «کأنّ زیدا أسد»، و هرگاه خبر آن مشتق باشد، دلالت بر شک و تردید دارد و به منزله گمان کردم و خیال کردم است؛ مانند: «کأنّ زیدا قائم»؛ زیرا چیزی به خودش شبیه نمی‌شود. با دیدگاه زجاجی و پیروان مکتب کوفه، ابن طراوة و ابن السیّد نیز موافقت کردند و ابن السیّد تصریح می‌کند که اگر خبر «کأنّ»، فعل یا جمله و یا ظرف باشد؛ مانند خبر مشتق، دلالت بر شک و تردید دارد.

۲۹. ترجمه: «کأنَّ» از دیدگاه پیروان مکتب بصره، معنایی غیر از تشبیه ندارد.
۳۰. ترجمه: پاسخ می‌دهم: چیزی در حالتی به حالت دیگرش تشبیه می‌شود؛ مثل این‌که زید، در حالت غیر قیامش به حالتی که در قیام باشد، تشبیه شود.
۳۱. ترجمه: سرزمین مکه به لرزه در آمد، گویی هشام در آن نیست.
۳۲. زمین به زمینی که هشام در آن نیست، تشبیه شده است.
۳۳. ترجمه: و شبی مشتاق که ستارگان آن همچون ستارگانی که لباس سبز بر تن داشتند، پراکنده بودند.
۳۴. ترجمه: گاهی فعلی ذکر می‌شود که از معنای تشبیه خبر می‌دهد؛ مانند «علمت زیدا أسدا»، «علمت» زمانی به-کار می‌رود که تشبیه قریب باشد، اگر تشبیه بعید باشد، گفته می‌شود: «خلته و حسبته».
۳۵. ترجمه: هرگاه در مورد چیزی گفته شود: «إنَّه كالشيء»، و برای مشبه، شبهی باشد، سخنی درست است؛ زیرا ادات تشبیه برای دلالت بر وجود تشبیه وضع شده‌اند؛ چه شباهت کم باشد و چه زیاد، گاهی شباهت قوی و گاهی ضعیف است و (در هر دو حالت) تشبیه صادق است، هرچند که در یکی از دو حالت مذکور، واضح‌تر است.
۳۶. در دلالت افعالی که از معنای تشبیه خبر می‌دهند، این افعال از حالت قرب و بعد تشبیه خبر می‌دهند و ادات در آن‌ها در تقدیر است؛ زیرا معنای تشبیه بدون در تقدیر گرفتن ادات تشبیه، استوار نمی‌گردد.

فهرست منابع و مآخذ

الف) منابع عربی

- آمدی، ابوالقاسم. (۱۹۸۷م). الموازنة: الطبعة الخامسة، بیروت، دارالمیسرة.
- ابن ابی الإصبع المصری. (۱۹۹۵م). تحرير التحبير في صناعة الشعر و النثر و بیان إعجاز القرآن؛ تحقیق حفنی محمد شرق، القاهرة: دارالتعاون للطبع و النشر.
- ابن اثیر، ضیاء‌الدین. (۱۹۷۳م). المثل السائر في ادب الکاتب و الشاعر؛ تعلیق بدوی طبانه، نهضة مصر.
- ابن جنی، ابوالفتح عثمان. (۱۹۵۲م). الخصائص؛ تحقیق محمد علی النجار، الطبعة الثانية، القاهرة: دارالمکتبة المصریة.
- ابن طباطبا، محمد احمد. (۲۰۰۵م). عیار الشعر؛ شرح و تحقیق عباس عبد الساتر، الطبعة الثانية، بیروت: دار الکتب العلمیة.
- ابن هشام الأنصاری، جمال‌الدین. (۱۹۹۱م). مغنی اللیب عن کتب الأعاریب؛ تحقیق محمد محیی‌الدین عبدالحمید، الطبعة الأولى، دمشق: دارالفکر.

- ابن وهب الكاتب، اسحاق. (١٩٦٧م). البرهان في وجوه البيان؛ تحقيق احمد مطلوب، الطبعة الاولى، بغداد: مطبعة العاني.
- توفيق، مجدى احمد. (٢٠٠٧م). مفهوم الإبداع الفنى فى النقد العربى القديم؛ القاهرة: الهيئة المصرية العامة للكتاب.
- جرجاني، عبدالقاهر. (٢٠٠١م). أسرار البلاغة فى علم البيان؛ تحقيق عبدالحميد هنداوى، الطبعة الاولى، بيروت: دارالكتب العلمية.
- الجوزو، مصطفى. (١٤٠٢ق). نظريات الشعر عند العرب؛ الطبعة الاولى، بيروت: دار الطليعة.
- الحموى، ياقوت. (١٩٢٩م). معجم الأدبا؛ بيروت : دار احياء التراث العربى.
- دسوقي، مصطفى محمد. (٢٠٠٩م). حاشية الدسوقي على مغنى اللبيب؛ بيروت: دار و مكتبة الهلال.
- زركشى، بدرالدين. (١٩٨٨م). البرهان فى علوم القرآن؛ تعليق مصطفى عبدالقادر عطا، الطبعة الاولى، بيروت: دارالكتب العلمية.
- زمخشري، ابوالقاسم محمود بن عمر. (٢٠٠٤م). المفصل فى علم العربية؛ تحقيق فخر صالح قدارة، الطبعة الاولى، عمان: دار عمار للنشر و التوزيع.
- سكاكى، يوسف بن محمد. (١٤٢٠ق). مفتاح العلوم؛ تحقيق عبد الحميد هنداوى، الطبعة الاولى، بيروت: دار الكتب العلمية.
- سيبويه، عمرو بن عثمان. (١٩٩٢م). الكتاب؛ تحقيق عبدالسلام محمد هارون، القاهرة: مطبعة المدنى.
- سيوطى، جلال الدين. (٢٠٠٨م). الإتيقان فى علوم القرآن؛ تعليق مصطفى شيخ مصطفى، الطبعة الاولى، بيروت: مؤسسة الرسالة ناشرون.
- ----- (١٩٩٢م). همع الهوامع فى شرح جمع الجوامع؛ تحقيق عبدالعال سالم مكرم، بيروت: مؤسسة الرسالة.
- طبیبی، شرف الدين. (١٩٨٦م). التبيان فى البيان؛ تحقيق توفيق الفيل، الطبعة الاولى، كويت، مطبوعات الجامعة.
- عامر، فخر الدين. (١٤٢١ق). أسس النقد الأدبى فى عيارالشعر؛ الطبعة الاولى، القاهرة: عالم الكتب.

- عباس، احسان. (۱۴۰۶ق). تاریخ النقد الأدبی عند العرب؛ بیروت: دار الثقافة.
- عبدالعال، عبدالسلام. (۱۹۷۸م). نقد الشعر بین ابن قتیبه و ابن طباطبا العلوی؛ القاهرة: دار الفكر العربي.
- العبادي، عبدالله عبد الكريم. (۱۴۱۰ق). الاتجاه النقدي عند ابن طباطبا؛ الإسكندرية: المعارف.
- العرضاوي، رانية. (۱۴۳۲ق). مكونات الإبداع في الشعر العربي القديم ابن طباطبا نموذجاً؛ إربد - الأردن: عالم الكتب الحديث.
- عسکری، ابوهلال. (۱۹۹۴م). ديوان المعاني؛ شرح احمد حسن بسنج، الطبعة الأولى، بیروت: دارالكتب العلمية.
- علوی یمینی، یحیی بن حمزه. (۲۰۰۲م). الطراز؛ تحقیق عبدالحمید هنداوی، الطبعة الأولى، بیروت: المكتبة العصرية..
- غنیمی هلال، محمد. (۱۹۹۷م). النقد الأدبی الحديث؛ القاهرة: دار نهضة مصر للطباعة و النشر و التوزيع.
- قرطاجنی، حازم. (۱۹۸۶م). منهاج البلغاء و سراج الأدبا؛ تحقیق محمد الحبيب ابن الخوجه، الطبعة الثالثة، بیروت: دارالغرب الإسلامي.
- قزوینی، خطیب. (۱۹۹۹م). الإيضاح في علوم البلاغة؛ تحقیق عبدالمنعم خفاجی، بیروت: دارالكتاب اللبناني.
- قیروانی، ابن رشیق. (۲۰۰۱م). العمدة في محاسن الشعر و آدابه؛ تحقیق محمد عبدالقادر أحمدعطا، ج ۱، الطبعة الأولى، بیروت: دارالكتب العلمية.
- مرادی، حسن بن قاسم. (۱۹۹۲م). الجنی الدانی في حروف المعاني؛ تحقیق فخرالدین قباوة، الطبعة الأولى، بیروت: دارالكتب العلمية.
- مهلهل بن ربیعة. (۱۹۹۶م). ديوان مهلهل بن ربیعة؛ تحقیق طلال حرب، الطبعة الأولى، بیروت: دارصادر.
- مبارك، مازن بن عبدالقادر. (۱۹۸۱م). الموجز في تاريخ البلاغة؛ دمشق: دارالفكر.
- المعطانی، معتوقة سالم. (۱۴۱۹ق - ۱۴۲۰ق). معايير الشعر عند ابن طباطبا؛ جامعة ام القرى، كلية اللغة العربية، المملكة العربية السعودية.

ب) منابع فارسی

- پهلوان حسینی، علی اصغر. (۱۳۶۹). «بحث کلی در تشبیه همراه با ترجمه عیار الشعر»، پایان نامه کارشناسی ارشد دانشگاه فردوسی مشهد، دانشکده ادبیات و علوم انسانی دکتر علی شریعتی.
- علوی مقدم، محمد. (۱۳۵۲). «عیارالشعر ابن طباطبا و تأثیر آن در کتب بلاغی»؛ مجله جستارهای ادبی، شماره ۳۳، صص ۱۷-۳۱.

فصلنامه لسان مبین (پژوهش ادب عربی)

(علمی - پژوهشی)

سال هشتم، دوره جدید، شماره بیست و هشتم، تابستان ۱۳۹۶

صدق التشبيه مع ذكر أداة التشبيه عند ابن طباطبا*

حجت رسولی، أستاذ في قسم اللغة العربية و آدابها في جامعة الشهيد بهشتي في طهران
افسانه رضائي، طالبة في مرحلة الماجستير في فرع اللغة العربية و آدابها، في جامعة الشهيد بهشتي

الملخص

تداخل علم النقد و البلاغة يعتبر من مميزات النقد الأدبي في القرن الرابع الهجري. ابن طباطبا يُعتبر من كبار الرواد في النقد الأدبي الذي قام في كتابه عيار الشعر بتقييم الشعر بواسطة علم البلاغة. إن الفحص الدقيق من وجهة نظر الرواد مثل ابن طباطبا، في النقد الأدبي ضروري لمعرفة التطور حول النقد الأدبي. يهدف هذا المقال إلى تحليل و تبين آراء ابن طباطبا في تقييم التشبيه بناء على الصدق بحسب كتابه عيارالشعر و يحاول أن يجيب عن هذا السؤال: ما هي الأسباب التي عرضها ابن طباطبا لصدق التشبيه مع ذكر أداة التشبيه؟ و لهذا الغرض حاولنا أن نستخرج معايير تقييم التشبيه عند ابن طباطبا من خلال الرجوع إلى نص كتابه عيارالشعر و إستخلاص آرائه المنتشرة في الكتاب، لتبين آرائه النقدية والبلاغية استناداً إلى المصادر الموثوقة البلاغية و مستخدماً المنهج الوصفي- التحليلي. ومن النتائج التي توصلنا في هذا المقال إليها هي: أن ابن طباطبا يهدف من هذا المعيار، دعوة الشاعر للإبداع في التشبيه، و ذلك لتقريب الإغراق و الغلو إلى الحقيقة و أيضاً لعدم إستقامة معنى التشبيه بدون أداة و في النهاية لقوة التشبيه و تأكيده و مبالغته.

الكلمات الدلالية: ابن طباطبا، عيارالشعر، صدق التشبيه، أداة التشبيه.

*- تاريخ الوصول: ۱۳۹۵/۱۰/۱۱ تاريخ القبول: ۱۳۹۶/۰۲/۲۵

عنوان بريد الكاتب الإلكتروني (الكاتب المسؤول): h-rasouli@sbu.ac.ir